همین حوالی

هزارداستان به روایت موزه ملک

رضا دبیری‌نژاد

● میراث داستانی، روایتگر خاطره‌های مشترک یک ملت هستند؛ خاطره‌هایی که حاصل تجربه‌هایی است که یک ملت در گذر روزگاران داشته و زندگی را در لابه‌لای این تجربه‌های تاریخی و فرهنگی یافته‌اند و حالا می‌شود در بازخوانی این داستان‌ها زندگی را یافت. پیوند داستان‌ها زندگی را وسعت بیشتری می‌بخشد و آدمی را تا کرانه‌های دور می‌برد؛ تا آنجا که سندباد رفته است، تا آنجا که زمان شکل می‌گیرد. همراه با رستم به رزم‌ها می‌رود و در میان توفان بکا فرو می‌شود و همراه با یوسف از قعر چاه حسد بیرون می‌رود و می‌توان همراه با حسنک وزیر تا پای دار رفت. میراث داستانی نشانگر همنشینی فرهنگ‌ها و آمدن فرهنگ‌هایی است که هرکدام روایتی را با خود می‌آورند و در میانه داستان‌های این سرزمین برجای می‌گذارند؛ داستان‌هایی که با روایت مادرانه بال‌وپر و بعد با ترس‌ها و غم‌های آدمی شکلی دیگر به خود می‌گیرند. آن‌گاه که نقالان شیرین‌گفتار نقش‌ها را از پرده‌ها زنده می‌کنند، میراث‌ها دست‌به‌دست می‌شوند تا آنجا که کاتبان دست‌به‌کار شدند و خیال جمعی این مردمان را نگاشتند و نگارگران داستان‌ها را تماشایی کردند. آن زمان که چاپ آمد، همین داستان‌های میراثی بر صفحه سنگی و سربی نشستند تا امروزه در کنج گنجینه کتابخانه‌ها و موزه‌ها جای گیرند. نشستن در کنج گنجینه‌ها داستان‌ها را به خاموشی و فراموشی می‌برد. دیگر از امیرارسلان نامدار و سندباد شاید فقط نامی بر سر زبان باشد و نسل‌های جدید که می‌آیند همین نام‌ها را ندانند. داستان‌ها اگر خاموش و فراموش شوند دیگر میراث ما نیستند. میراث‌ها وقتی میراث‌اند که خاطره جمعی ما را شکل دهند و نشانی از هویت ما باشند. اگر اثری با ما و امروز ما نسبتی نداشته باشد دیگر هویت ما را نمی‌سازند. داستان‌ها باید ما را با هم پیوند دهند و ما را ما بسازند. این‌گونه است که باید داستان‌ها را به یاد آورد تا خودمان؛ یعنی خود ملی‌مان را به یاد آوریم. میراث‌ها ازجمله داستان‌های ما امروزه نیازمند ابزاری از دنیای جدیدند که امکان یادآوری اجتماعی را فراهم کند. موزه‌ها محل یادآوری و ارزش‌گذاری هستند؛ آنجا که میراث‌های جامعه کشف شده و به امروز می‌آیند تا دستاوردهای فرهنگی از یاد نروند. موزه‌ها در هر کشور به ظرفیت‌ها و شاخص‌ها یا نیازهای آن جامعه توجه دارند. در کشور پرسابقه‌ای مانند ایران که داستان در آن از ازمنه‌های دور بوده است و داستان‌ها از روزگار اساطیری تا افسانه‌ها و روزگار تاریخی بوده‌اند و نسل‌به‌نسل و شکل‌به‌شکل منتقل شده‌اند و با هنرها، سنت‌ها، آیین‌ها و آثار مختلفی پیوند خورده‌اند، نمی‌توان داستان‌ها را نادیده گرفت. موزه این امکان را فراهم می‌آورد تا تجربه‌ای ملموس و امروزی از میراث داستانی به‌طور مشترک و حتی فراتر از نسل‌ها به وجود آید. تالار موزه‌ای هزارداستان در موزه ملک بر آن است تا میراث‌های داستانی را براساس مجموعه‌های خود دریابد و فرصت یادآوری آنها را فراهم کند. این شاید آغازی از یک راه باشد که اگر گسترش یابد و تکرار شود می‌تواند به صیانت و بهره‌برداری از بخشی از میراث غیرملموس کشورمان منجر شود.

خبر

نامه سمن‌ها به روحانی:

برای سازمان میراث فرهنگی مدیر سیاسی نگذارید

● نزدیک به ۳۰ سمن فعال در حوزه‌های مختلف میراث فرهنگی، صنایع دستی، گردشگری و میراث طبیعی با انتشار نامه‌ای سرگشاده خطاب به رئیس‌جمهور از وی خواستند که برای مدیریت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در دولت جدید از چهره‌های سیاسی استفاده نکند. آنها ضمن درخواستِ پشتیبانی دولت از طرح وزارتخانه‌شدن سازمان میراث همچنان بر معرفی بهنگام ریاست این سازمان و وابسته‌نکردنِ آن به شرایط تأیید وزیران در مجلس پای فشردند. در بخشی از این نامه، آمده است: «در این روزها، نام‌های بسیاری برای بر دوش گرفتنِ مسئولیت ریاست سازمان مطرح می‌شود و لابی‌های رسانه‌ای چندی مدعی هستند که گزینه مورد نظرشان نهایی است. شوربختانه، بیشتر این نام‌ها یا سیاسیانی هستند که همچون سه ریاست این سازمان در دولتِ پیشین، فاقد کمترین تجربه در این حوزه و آشنایی با مبانی آن هستند که پیشنهادِ احتمالی‌شان از سوی شما فقط بر سرخوردگی کارشناسان و دلسوزانِ این حوزه‌ها خواهد افزود یا کارشناسانی هستند که تجربه مفید و حتی گاهی خوشنامی در این حوزه‌ها ندارند. در میان این نام‌ها البته، چند تنی بودند که در حد و حدود این مقام هستند؛ یا پیشینه خوبی در مدیریتِ بخشی از آن داشته یا در بخش خصوصی نوآوری‌هایی داشته‌اند و یا درخصوصِ ارتقای آن تلاش‌هایی کرده‌اند. فراموش نکنیم اگر اندیشه طرح نام‌های سیاسی، ولو در ظاهر، به قصدِ گشایشی در صنعتِ گردشگری هم بوده باشد که نیاز به تجربه‌ای ملی و قدرتمند داشته باشد، در سال‌های گذشته می‌باید ناکارآمدی‌اش به شما و پیشنهاددهندگانِ این ایده اثبات شده باشد، چراکه جز کارهایی سطحی در این زمینه که به نابودی میراث فرهنگی و طبیعی‌مان انجامیده، گامی برای توسعه صنعتِ گردشگری برداشته نشده است.

ذره‌ای عقب‌نشینی نکردم

ادامه از صفحه ۱۶

عکس: امیر جدیدی، شرق

از شخص خانم آلیا؟

بله از شخص خانم آلیا.

از آن کسی که اسناد را گذاشته بود، چطور؟

او را نه، البته از طریق کمیسیون اصل نود ماجرا را پیگیری می‌کنیم چون در اصل آنجا مقصر است که چرا این کمیسیون این اطلاعات دولتی را به کسی بیرون از مجموعه داده است. معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری همه این پرونده‌ها را پیگیری می‌کند.

در صحبت‌هایتان گفتید در این چهار سال خیلی به شما و ساختار معاونت به ریاست شما حمله شده. گفتید پیش‌بینی می‌شد یا می‌شود در چهار سال آینده هم شدیدتر ادامه پیدا کند. آیا به نظر خودتان، اینکه ماندن شما در معاونت ادامه پیدا نکرد، این حملات در آن نقشی داشت یا نه، در تصمیم شما یا رئیس‌جمهور. مثلا رئیس‌جمهور بگوید اینجا خیلی داریم هزینه می‌دهیم، بی‌خیال آن می‌شویم؟

نه، اینکه مطرح نشده به این شکل. ولی تصمیم بر این بود که در یک بستر آرام، آنچه تا به حال مقدماتش فراهم شده، بتواند جنبه عملیاتی به خودش بگیرد. برای من که این حملات تأثیری نداشت. یعنی ذره‌ای در عقب‌نشینی‌کردن من تأثیری نداشت.

درباره ادامه حضور شما در دولت دوازدهم، معاونت حقوق شهروندی چقدر جدی است و اینکه به همین شکل است یا قرار است ساختارش عوض شود؟

در حال بررسی است. من یک پیشنهادی داشتم، بررسی می‌شود.

در این چهار سال، به شما حملات مختلف و زیادی شد و اتهامات فراوانی هم نثارتان کردند، کدام یک از حملات بیشتر از همه غمگینتان کرد و برایش تأسف خوردید؟

چند عکس و نوشته در ایام تبلیغات به دروغ به نقل از من آماده کرده بودند و منتشر کردند که در گرماگرم موضوع مربوط به ۲۰۳۰ هم بود. جملاتی را به نقل از من آورده بودند که بسیار تأسف‌برانگیز بود. واقعا بی‌اخلاقی محض بود.

در رسانه‌های رسمی منتشر شده بود؟

نه، در فضای مجازی به صورت گسترده که ما کشف هم کردیم کار چه کسی بود. از مشهد هم بود. یکی از بستگان یکی از نمایندگان مجلس بود، کسی که در شهرداری مشهد هم کار می‌کند و بسیار گسترده این کار را انجام داد. اسم و اینها را داریم.

شکایت هم کردید؟

نه در سطحی نبود که برویم شکایت کنیم. نسبت‌های بسیار سطح پایین و سخیف داده بودند که خیلی حالم را بد کرد و واقعا تأسف خوردم به حال کسانی که به هر وسیله‌ای متوسل می‌شوند که رقیب را از میدان به در کنند. حتی اگر برخلاف دین باشد، برخلاف اخلاق باشد. بارها برای آنها نوشتم اگر دین ندارید، لااقل آزاده باشید.

در چهار سالی که گذشت و شما معاونت را اداره کردید، از نظر خودتان بهترین بخش عملکردتان چه بود؟

اینکه بگویم خروجی ملموسی مثل وزارتخانه‌ها داشتیم، اینجا به این شکل نبوده، ولی آنچه من را به آینده امیدوار می‌کند، آنچه در برنامه ششم توسعه اتفاق افتاد، مسیر حرکت و نقشه راه حوزه زنان و خانواده را امروز دقیقا مشخص کردیم و تغییر ادبیات و گفتمانی که در حوزه زنان و خانواده در این دوره که همه به آن اذعان دارند.

در گفتمان رسمی منظورتان است؟

رسمی هم تا حدودی چرا. آن هم بوده. همان حرف‌هایی که من روزهای اول می‌زدم و به سیاه‌نمایی متهم می‌شدم، متهم به اینکه به قول خودشان کمک می‌کنم به پرونده‌های حقوق‌بشری علیه ایران، الان می‌بینم همه حرف‌های من را می‌زنند.

منظورتان در حوزه آسیب‌های اجتماعی است؟

مثلا آسیب‌های اجتماعی و مسائلی که در کل جامعه و به‌ویژه در حوزه زنان و خانواده وجود دارد. عدالت جنسیتی که همان بحثی است که در برنامه ششم توسعه مطرح شده است.

درباره عدالت جنسیتی، اول خیلی به شما حمله و بعد در ادامه به گفتمان جدی تبدیل شد. اکنون، با این شرایط نظر خودتان درباره آینده این معاونت چیست؟ آیا ریل‌گذاری شده که کسی که بعدها می‌آید، امیدوار بود که میوه این عملکرد، بعدها چیده شود؟

با توجه به وضعیتی که در آن قرار داریم و مقدماتی که چیده شده، اگر متعهد به برنامه باشند، هم برنامه‌ای که رئیس‌جمهور برای دولت دوازدهم ارائه داده، بخش زنان و خانواده آن، بخش مفصلی است، هم برنامه ششم توسعه. من مطمئن هستم آنچه در دولت یازدهم، وقتمان به آن گذشت که بتوانیم این مقدمات را فراهم کنیم، در دولت دوازدهم ان‌شاءالله در چهار سال و پنج سال برنامه ششم، حتما ثمره‌اش را خواهیم دید. آن هم تعادل جنسیتی که پیشی‌بینی کردیم در حوزه‌های مختلف، با اقدامات اساسی، برنامه‌هایی که باید تدارک دیده شود در مدیریت‌ها و بازار کار، در خانواده، در کار و زندگی، برای همه اینها برنامه داریم. خیلی از آنها الان به مرحله نهایی رسیده. حتی فکر می‌کنم شاید سال اول دولت دوازدهم، به ثمر بنشیند. مثلا لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت، سند مربوط به توازن، سند حمایتی زنان شاغل، سند سیاست اشتغال پایدار زنان که شامل دو گروه از زنان است، همه اینها نهایی شده و نیاز به تصویب و ابلاغ دارد. مقدماتش فراهم شده که امیدواریم در ابتدای دولت دوازدهم، ثمراتش را زنان ببینند.

رفتن شما از معاونت قطعی شده است، برای کسی که بعد از شما به اینجا می‌آید اگر بخواهید توصیه‌ای کنید؛ توصیه راهنمایی که فلان کار انجام بشود، بهمان کار نشود، چه توصیه‌ای می‌کنید؟

توصیه‌های من تقریبا آماده است، چون من پوشه‌ای را مدت‌هاست برای دوره بعد؛ یعنی کارهایی که باید برای دوره بعد انجام شود و در اصل برای خودم نوشته بودم و همین‌طور کارهایی را که در ماه‌های پایانی باید انجام شود، آماده کرده بودم و روی میزم است. پاک‌نویس می‌خواهد. یکی، دو روز می‌خواهم وقت بگذارم و همه اینها را آماده کنم، کسانی که در معاونت و مسئولیت دارند، کارشناسانی که هستند، همه را مشخص می‌کنم و شسته‌رفته تحویل می‌دهم.

به دو مورد مهم آن اشاره می‌کنید؟

ما الان در مرحله تدوین آیین‌نامه ماده ۱۰۱ قانون برنامه ششم توسعه هستیم که از وقتی ابلاغ شده، بسیار مهم است. این یکی از برنامه‌هاست که باید سریعا اقداماتش شروع شود. همین‌طور آیین‌نامه مربوط به بند ت ماده ۸۰ قانون برنامه ششم توسعه، برنامه جامع توانمندسازی زنان سرپرست خانوار است که باید سریعا کار این شروع شود. یک‌سری کارهای فوری داریم؛ یکی بحث تشکیل ستاد ملی زن و خانواده که در دوره دولت یازدهم تشکیل نشد و این یکی از اولویت‌هاست و توصیه من این است که حتما پیگیری شود که با حضور رئیس‌جمهور هم تشکیل شود و پیگیری همین لایحه تأمین امنیت زنان که به قوه قضائیه ارائه دادیم، چون جنبه قضائی دارد.

> **من پوشه‌ای را مدت‌هاست برای کارهایی که باید دوره بعد انجام شود و در اصل برای خودم نوشته بودم و همین‌طور کارهایی را که در ماه‌های پایانی باید انجام شود، آماده کردم. پاک‌نویس می‌خواهد. یکی، دو روز می‌خواهم وقت بگذارم و همه اینها را آماده کنم، کسانی که در معاونت و مسئولیت دارند، کارشناسانی که هستند، همه را مشخص می‌کنم و شسته‌رفته تحویل می‌دهم**

اسم دقیق لایحه چیست؟

لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت که سریعا با پیگیری‌هایی که انجام می‌شود، بررسی‌های لازم در قوه قضائیه صورت گیرد، به کمیسیون لوایح برگردد و تصویب شود و به مجلس برود. این یکی از اولویت‌هاست. چند سند است که در کمیسیون اجتماعی دولت است؛ سند حمایت اجتماعی زنان و سند توانمندسازی زنان که با مشارکت وزارت رفاه و شورای‌عالی رفاه در حال تدوین است. چند لایحه است که یکی در همین هفته جلسه داریم. حذف تبصره ۲۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست است که مربوط به ازدواج فرزندخوانده با سرپرست است که این را نهایی کردیم. موضوع بعدی بحث تعیین‌تکلیف فرزندان ناشی از ازدواج زنان با اتباع خارجی است که لایحه آن تقریبا تمام شده، لایحه آن هم تقریبا در دولت تمام شده و قرار بود وزارت دادگستری... .

در این لایحه قرار است چه اتفاقی بیفتد؟

ما به سمت اصلاح قانون مدنی رفتیم؛ تابعیت را به مادر تعمیم دادیم؛ یعنی از مادر ایرانی، چه فرزندانی که در ایران و چه فرزندانی که در خارج از ایران متولد می‌شوند، منتقل شود. سیستم خاک به سیستم خون تغییر کند. چون قانون ما قبلا این‌طور بود، تغییر می‌کند که الان در وزارت دادگستری است تا متنش را آماده کنند. اینها مواردی است که مهم‌ترین بخش‌هاست، تمام شده و زیاد نباید طول بکشد. غیر از دو آیین‌نامه که تدوین آن تازه شروع شده، بقیه به یک پیگیری نیاز دارند که زودتر به نتیجه برسد.

قبل از اینکه تکلیف مشخص شود، درباره حضور شما، گمانه‌زنی‌های زیادی منتشر می‌شد که خانم مولاوردی قرار است وزیر آموزش‌وپرورش شود. در این مدت صحبتی با شما درباره وزارت آموزش‌وپرورش یا هر سمت دیگری مطرح شد که شما قبول نکنید؟

اینکه مستقیم پیشنهاد شود نه، ولی می‌دانم مطرح شده بودم در فهرست کاندیداهای وزرای آموزش‌وپرورش و برای معاونت حقوقی رئیس‌جمهور.

از شما برنامه‌ای خواسته شد؟

نه، به آنجا نکشید.

سؤال دیگر اینکه شما در این چهار سال در مسئله آسیب‌های اجتماعی زنان، احتمالا نزدیک‌تر از هر کسی در جریان ماجرا بودید و هستید. به نظر شما الان مهم‌ترین مسئله در زمینه آسیب‌های اجتماعی چه مسئله‌ای است و درباره‌اش چه باید کرد؟

الان که توجه خوبی را شاهد هستیم؛ یعنی به آسیب‌های اجتماعی توجه شده و در شورای اجتماعی کشور، کارگروه‌هایی که تشکیل شده، چند کارگروه اختصاصا به آسیب‌های اجتماعی حوزه زنان و خانواده اختصاص دارد. هماهنگی‌ها و پیگیری‌هایی صورت می‌گیرد و در دست انجام است و اینکه اقدامات فوق‌العاده‌ای که تعریف می‌شود برای کاهش و کنترل آسیب‌های اجتماعی. اینکه ادعا می‌کنیم ما ریشه‌کن می‌کنیم و رفع می‌کنیم، واقعا شدنی نیست. هیچ‌کجای دنیا هم این اتفاق نیفتاده؛ به‌ویژه در جامعه ما که در حال توسعه است، قطعا نمی‌توانیم این انتظار را داشته باشیم که شاهد این باشیم که هیچ آسیب اجتماعی‌ای در کشور وجود نداشته باشد، ولی برای کنترل و کاهش آن از نزدیک در جریان هستم که برنامه‌هایی در دست اقدام است و ما هم در خیلی از این کارگروه‌ها حضور داریم. بخشی از مباحث و اولویت‌ها اعتیاد است و طلاق. البته بعضی‌ها طلاق را آسیب نمی‌بینند. منتها آنجا تعریف شده به‌عنوان آسیب، کنترل و کاهش طلاق و بحث کنترل و کاهش اعتیاد که بالاخره بخشی از این آسیب هم به زنان برمی‌گردد. اینها به نظر من مهم‌ترین‌هاست. اینکه چه باید کرد، باز برمی‌گردد به برنامه‌هایی که ما تحت عنوان توانمندی زنان و تاب‌آوری آنها در برابر این آسیب‌ها کار می‌کنیم. طرح مهمی که به اجرا درآوردیم و خیلی مورد استقبال واقع شد، طرح ملی تاب‌آوری اجتماعی است که امیدواریم در دولت بعدی هم ادامه داشته باشد. فاز اولش را در سراسر کشور اجرا کردیم.

من به آن می‌گویم ورژن اجتماعی اقتصاد مقاومتی؛ یعنی همان‌طورکه اقتصاد باید مقاوم باشد، از نظر آسیب‌ها هم ما باید انسان‌هایی تاب‌آور که در برابر این آسیب‌ها و بحران‌ها بتوانند تاب بیاورند و بتوانند خودشان را با شرایط تطبیق و شرایط را تغییر دهند، داشته باشیم، نه اینکه تسلیم شوند و به‌اصطلاح کم بیاورند و مبتلا به انواع آسیب‌های دیگر شوند. می‌خواستیم چنین وضعیتی داشته باشیم.

معاونت زنان پیش از حضور شما در دولت یازدهم، خیلی شناخته‌شده به آن معنا نبود، ولی بعد از حضور شما، توجهات زیادی به آن جلب شد، چه از نظر موافقان و چه مخالفان. این معاونت چند نیرو دارد، بودجه آن چقدر است؟ اساسا جایگاهش به‌لحاظ فنی و سازمانی چقدر اهمیت دارد؟

اینکه چرا اینجا شناخته شد و چرا برجسته شد، فکر می‌کنم برمی‌گردد به انقلابی که ما در مقایسه با دولت قبل در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات داشتیم. آن‌موقع به این گستردگی نبود؛ یعنی اطلاع‌رسانی و استفاده از این ابزار. فکر می‌کنم ابتدای دولت یازدهم، فقط یک پیامک بود. به‌ویژه بعد از اینکه تلگرام آمد، البته من قبلش هم در فیس‌بوک فعال بودم. قبل‌تر هم وبلاگ داشتم، اما آن تأثیرگذاری لازم را نداشت.

شما وبلاگ داشتید؟ از چه سالی؟

بله. یادم نیست ولی زمانی که سردفتر اسناد رسمی بودم، وبلاگ داشتم.

اسم وبلاگتان چه بود؟ هنوز هم هست؟

با آن خداحافظی کردم. وبلاگم در بلاگفا بود و اسمش «دفتر» بود.

بعد از معاونت هم در وبلاگتان می‌نوشتید؟

نه، بعد از معاونت ننوشتم. فکر کنم آخرین مطلبم درباره خانم مرضیه وحیددستجردی بود، وقتی در دولت قبل او آن‌طور برکنار شد، مطلبی را نوشتم در انتقاد از اینکه چرا به آن شکل برکنارش کردند. اینکه چرا احمدی‌نژاد گفته بود او تنها مرد کابینه‌اش است و از این حرف‌ها. در وبلاگم می‌رفتم سراغ این مسائل. از آن موقع سرم درد می‌کرد برای این چیزها.

یعنی فقط فراگیری شبکه‌های اجتماعی باعث شد این معاونت دیده و مهم شود؟

منظور این است که ما از این طریق عملکردمان را اطلاع‌رسانی می‌کردیم، وگرنه من چه داشتم که اطلاع‌رسانی کنم. حملاتی که می‌شد به عملکرد ما بود، جواب‌هایی که داده می‌شد، دفاعیاتی که می‌شد همه برمی‌گشت به عملکرد ما. همین‌طور اینکه ساختار ما، ساختاری چابک، البته خیلی‌خیلی چابک است (می‌خندد) و بسیار محدود و جمع‌وجور. قرار ما هم با رئیس‌جمهور بر این بود که با واسپاری امور به بیرون و تعریف پروژه، کارها انجام شود. ولی به نظر می‌رسد در دوره جدید با تأکیدی که در برنامه ششم داشتیم درباره تقویت ساختار و همین‌طور برنامه‌ای که به رئیس‌جمهور برای دولت دوازدهم ارائه دادیم و در برنامه‌شان گنجانده شد درباره بازطراحی ساختار حوزه زنان و خانواده، شاهد ساختاری که رابطه اثربخش با سازمان داشته باشد با وزارتخانه‌ها و با ادارات کل امور زنان و خانواده در استان‌ها و خیز هم برداشتیم برای سازمان‌شدن. مقدماتش را هم فراهم کردیم. البته با مخالفت سازمان امور اداری استخدامی مواجه شدیم. نظر کارشناسی‌شان این بوده ولی از پا ننشسته‌ایم، هنوز ادامه می‌دهیم. دوباره مکاتبه‌ای را آماده می‌کنیم در دفاع از اینکه نیاز داریم به اینکه سازمانی برای امور زنان و خانواده زیر نظر رئیس‌جمهور داشته باشیم.

آمار ندادید که بودجه اینجا و تعداد نیروهای شما چقدر است.

طبق چارتی که اول دوره تعریف شده ما ۴۱ پست سازمانی داریم، ولی قرار بود این را برسانیم به نصف که اصلا عملیاتی نشده. این را هم بگویم هنوز تمام پست‌های ما پر نشده و خالی است. بودجه‌مان هم کم نشد، در این دوره نیز افزایش آن‌چنانی نداشت، کمااینکه بودجه خیلی از وزارتخانه‌ها هم افزایش پیدا نکرد. برای ما کم نشد. بین ۱۵ تا ۱۷ میلیارد در نوسان بود. تعداد نیروهای ثابت ما هم در کل ۲۲ نفر هستند.

پیش از شروع این مصاحبه از کاربران در توییتر خواستم اگر سؤالی دارند از شما بپرسند، برخی از کابران از شما تشکر کردند. تعدادی از سؤال‌های آنها را برای شما می‌خوانم، یکی از سؤال‌هایی که پرسیدند این است، آیا ماده ۱۰ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان که مربوط به مجازات والدین است، ضمانت اجرائی خواهد یافت؟

این باید از مجلس پرسیده شود. من امروز دیدم که یکی از خانم‌های فراکسیون زنان، به این اشاره کرده بود که این لایحه به بازبینی اساسی نیاز دارد. می‌دانید که مدت‌هاست در دستور کار مجلس و الان در کمیسیون امور قضائی است و با این فجایعی که در جامعه اتفاق می‌افتد، قطعا به نظر من این یکی از موضوعاتی است که باید به آن توجه شود. حتما خانم‌های مجلس به این موضوع توجه کنند. خودم هم پیگیری می‌کنم.

یک نفر پرسیده حرفی از تشکیل سازمان حقوق شهروندی است و ایشان قرار است رئیسش شود. بپرسید کودکان و نوجوانان، کجای این سازمان قرار می‌گیرند؟ البته نوشته لطفا از بدیهیات نگویید.

بگذارید ببینیم نتیجه چه می‌شود، هنوز که چیزی مشخص نیست.

ولی چون حقوق‌دان هستید می‌توانید نظر بدهید.

قطعا در حقوق شهروندی، کودکان، نوجوانان و سالمندان، همه باید جایگاه خودشان را داشته باشند، اقوام...

درباره وزیر زن می‌توانید حرف بزنید. اینکه به نظر خودتان چرا دولت وزیر زن نگذاشت؟

الان وقتش نیست. بگذارید کابینه معرفی شود و تمام شود. الان هرچه بگوییم ممکن است برداشت‌های دیگری شود.

وزیر زن دیگر کاملا منتفی است؟

بله منتفی است... .

یادداشت

شورای شهر و پایبندی به سیاست اخلاقی

لطیف روحانی

● به قول تولستوی: «باید از گفتنی‌ها گفت که احتمالا بسیاری آن را می‌دانند؛ ولی جرئت ابراز آن را حتی برای خودشان ندارند». قانون‌گریزی، شعارزدگی، حذف همدیگر، خودزنی، بی‌اعتنایی به منافع ملی، تخریب به جای نقد آگاهانه، تندخویی، سنگ‌اندازی، چوب لای چرخ همدیگر گذاشتن، خودخواهی و خودمحوری، کم‌توجهی به حرمت و حیثیت انسانی، کینه‌توزی، کوته‌بینی و فاصله‌گرفتن از افق‌های دور زخم‌های ریشه‌دار اخلاق سیاسی جناح‌های سیاسی کشور است. زخم‌هایی که ناشی از فقدان احزاب قدرتمند و فاصله‌افتادن بین عملکرد سیاسی با ایدئولوژی سیاسی احزاب است. اصولا نحوه تخصیص و ساماندهی قدرت در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و هم ساختار، مانیفست و دکترین احزاب براساس ایدئولوژی سیاسی شکل می‌گیرد. مابازای این ایدئولوژی سیاسی باید حکمرانی خوب و اقتصاد مطلوب و توسعه پایدار باشد؛ اما به دلیل بی‌توجهی به چارچوب ایدئولوژی سیاسی در بین احزاب ما و تکیه بر اخلاق سیاسی به جای سیاست اخلاقی و مضافا فقدان نقد از درون دشواری‌ها افزون‌تر، گره‌ها کورتر، حقیقت مستورتر و شهد شیرین خدمتگزاری به کام مردم تلخ‌تر می‌شود. خط‌کشیدن‌های پررنگ جناحی، تنگ‌گرفتن دایره حق و وسیع‌گرفتن دایره باطل، تکیه‌کردن بر تضادها، جناح و اندیشه خود را محور و معیار حق و باطل قراردادن و مولد هویت و شخصیت اصولگرایی یا اصلاح‌طلبی دانستن و در نهایت کم‌توجهی به مشترکات و انگشت‌گذاشتن بر اختلافات، تراژدی نزاع جناح‌های سیاسی ما را شکل می‌دهد که نتیجه آن هم می‌شود، تضییع منافع ملی، نادیده‌گرفتن سرمایه‌های اجتماعی و دلسردی رأی‌دهندگان. در اینجا روی سخن من با طیف اصلاح‌طلب است که وقتی به قدرت می‌رسند، از رویکردها و مبانی ایدئولوژی سیاسی خود در عمل فاصله می‌گیرند. اصولا اصلاح‌طلبان هر وقت به وحدت می‌رسند و یکپارچه و براساس اهداف مشترک پا به عرصه انتخابات می‌گذارند، با اقبال مردم روبه‌رو و پیروز می‌شوند. درواقع ترکیب وحدت اصلاح‌طلبان دلچسب و تجزیه آنها به معنی سهم‌خواهی درون‌گروهی احزاب عضو شورای هماهنگی بعد از پیروزی دلسردکننده است. اصولا براساس تجربه سال‌های اخیر دلیل شکست و پاشنه آشیل اصلاح‌طلبان در ادوار گذشته نه اصولگرایان؛ بلکه افتراق، سهم‌خواهی، زیاده‌خواهی درون‌گروهی و بی‌توجهی به افق‌های دور در بین آنها بوده است. ایراد اصلاح‌طلبان در این است که وقتی با وحدت بر مرکب مراد و قدرت سوار می‌شوند، مبانی اتحادشان را فراموش می‌کنند و نزاع و سهم‌خواهی درون‌گروهی و شخصی آنها به نام اصلاح‌طلبی آغاز و یکباره آن روی تلخ و نحس سکه رو می‌شود و به محض پوشیدن لباس قدرت زمزمه من و منیت‌های آنها بالا می‌گیرد، لابی‌های گروه‌گرایانه و خودخواهانه رونق می‌گیرد، تیم‌سازی جایش را به سهم‌خواهی می‌دهد و به جای حفظ سرمایه اجتماعی و سازمان رأی اصلاح‌طلبانه و پاسخ به اعتماد بزرگوارانه مردم به دنبال چیدمان پست‌های مدیریت شهری این منطقه و آن سازمان براساس آدم‌های مرتبط با خودشان هستند. اصلاح‌طلبان در اداره شهر و مدیریت شهری باید متکی به سیاست اخلاقی باشند، نه اخلاق سیاسی. تمثیلی در مثنوی مولوی هست که می‌گوید: عاشقی بر در خانه معشوق کوفت. جواب شنید: کیست؟ گفت: «من»، صدا از پشت در گفت: برو، کسی در خانه نیست. جوان رفت و چندی خود را در عشق پخته کرد، سال بعد بازگشت و چون از نو بر در کوفت و جواب آمد کیست؟ این‌بار گفت: «تو» و در باز شد. دوستان شورا متوجه باشند ۱۴۰۰ خیلی نزدیک است و شما باید بر در بکوبید و مواظب باشید مردم به شما نگویند «نه».